

# حمایت از دخالت کشورها در امور کشورها

امیر فیض - حقوقدان

هرچیزی که مابا آن سروکار داریم و یامیبینیم یکدفعه و آتی بوجود نیامده بامقدماتی همراه بوده اشخاصی سبب حمایت ورشد آن فکر شده اند ویاقوت وامکانات برای بوجود آمدن آن چیز صرف کرده اند.

چند روز قبل پرسشی در بی - بی - سی مطرح شده بود که «تحت چه شرائطی کشورها حق دارند درامورکشورهای دیگر مداخله کنند، آیا نقض حقوق بشرویانسل کشی ایجاد حق دخالت برای کشورهامیشود؟»

بنده با آنکه به پرسش بالا جواب زیر ادا دم:

«بی-بی-سی - سی -

۱- علت تامه عدم رعایت حقوق بشردرکشورها ناشی از ترس دولتها از مداخله کشورهای بزرگ درامور داخلی آنهاست واکنش دولتها در مقابل این ترس، سلب آزادی بیان ومطبوعات واجتماعات است. پس عدم دخالت کشورها درامورکشورها بطور کلی رابطه مستقیم بالاجرای اعلامیه جهانی حقوق بشردارد.

۲- دخالت کشورها درامورکشورهای دیگر بهیچوجه موضوعیت قانونی ندارد و ایجاد ضابطه ای بغیر از آنچه که در منشور سازمان ملل متحد آمده، بدعت خطرناکی است که نظم حقوقی جهان رامتلاشی میسازد»

ولی معهذا از این فکر غافل نشدم که علت طرح این سوال چیست ودر حالیکه منشور سازمان ملل متحد وعهد نامه های هلسینکی کشورها را از مداخله درامورکشورهای دیگر منع کرده است طرح چنین سوالی از جانب بی - بی - سی مقدمه چه نتیجه ای هست و در اصطلاح خودمان «این شف شف گفتن هابرای گفتن کدام شفتالو ست»

یکباره یادم آمد که حدود دویاسه هفته قبل تلویزیون پارس بتصدی آقای میبیدی مصاحبه ای داشت با اعلیحضرت که در آن مصاحبه آقای میبیدی با فراست خاص، سوالی رامطرح کرد که اعلیحضرت که کمتر به انگیزه سوال کننده وهدف از سوال توجه میفرمایند پاسخ سوال بی-بی-سی را درجهتی که مطلوب بیگانگان است و تاکنون از هیچ شخصیتی بغیر از هویرز آمریکائی شنیده نشده ویابنده نشنیده ام در دفاع از حق مداخله کشورها درامورکشورهای بیان فرمودند . فکرمیکنم بجاست که اول به سراغ سوال آقای میبیدی برویم تا به ضخامت فراست ونازکی پوست لغزنده ای که ایشان فراهم ساخته بود آشناشویم.

سوال ایشان این است: «شاهزاده فکرمیکنید مهمترین کاریکه در خارج میتوانیم انجام دهیم چیست؟»

من الان شماره وایت هاوس رادر صفحه میبینم فکرمیکنم تشویق کنیم و ترغیب کنیم سیاستمداران آمریکائی راکه حمایت ویشتیبتائی از جوانان ما بکنند وبه آنها قوت قلب بدهند..... ماموریت مادر شرائط حاضر چیست؟»

## موش در سوال

خواننده محترم این تحریر کاملاتوجه هستند که آقای میبیدی جواب مورد نظر خودشان راپیشاپیش به اعلیحضرت داده اند که اعلیحضرت هم همان نظر میبیدی یعنی تشویق وترغیب آمریکائیها به دخالت درامور ایران رابا آب وتاب بسیار بیسابقه ودفاع از مداخله کشورها درامورکشورها بعنوان پاسخ سوال میبیدی مطرح میفرمایند.

اجمال فرمایش اعلیحضرت چنین است:

یکی از کلیدی ترین مسائل که برای تفکرسیاستمداران علی الخصوص آمریکا لازم است، این است که آمریکا همیشه درحالت شک و تردید است که آیا کاری را که انجام میدهد دخالت در امورکشورها هست یا نیست درحالیکه دنیایی که ما امروز در آن زندگی میکنیم با اوضاع سی و چهل و پنجاه، شصت سال قبل فرق دارد یک زمانی بود که دنیا در قالب جنگ سرد بود وکشورها رعایت خیلی چیزها را میکردند در دنیای آن روز بسیاری از اصول آزادی درکشورهائی که آمریکا با آنها سروکاری داشت زیرپا گذاشته میشد ولی امروز جریان فرق دارد امروز سیاست جهانی در رابطه دولتها با دولتهای دیگر نیست و باید حسابشان را با ملتها مشخص کنند دولتها میآیند و میروند. ملت ایران اولین کسانی بودند که با دادن شعارهای مشخص، خواستار موضع گیری و پشتیبانی مشخص کشورهای خارجی شدند منجمله آقای اوباما که رئیس جمهور آمریکاست مگر همین مردم، تابستان پیش نمیگفتند <اوباما، اوباما، یا با اونا یا با ما> یعنی چی..... در پایان ایراد همیشگی خودشان را تکرار فرمودند که چرا خارجیان و آمریکائیا کار اساسی نمیکنند و فقط به دوتا پیام اکتفا میکنند این نهضت بدون کمک و پشتیبانی جهانیان امکان پذیر نخواهد بود

آقای میبیدی که به هدف خودشان رسیدند یعنی حمایت و تائید اعلیحضرت راز دخالت خارجیان در امور ایران و مبارزه ایرانیان گرفتند فقط یک کلمه گفتند و آن این بود <کاملا درست است>

اعلیحضرت خطاب به کشورهای خارجی، مسائل ایران از جمله اعدامهای ماه های اخیر را مثال آورده و باز خطاب به همان کشورها میفرماید: «آیامیشود سکوت کرد بیش از این، آیامیتوان گفت فعلا میخواهیم مذاکره کنیم؟ دیگر تاکی؟» .....

قسمت بعدی بیاناتشان حاوی توصیه ای بامعنی و تحسین برانگیز است همراه تاسفی که نمیتوان آنرا نادیده گرفت میفرماید:

من همیشه به رهبران سیاسی گفته ام مباداشما برای کسانی تعیین تکلیف کنید یا آدم تعیین کنید یا از حزب و یاتشکیلات و شخصیت خاصی دفاع کنید که نه تنها به آن تشکیلات ضرر میرسانید بلکه بقول معروف برجسیبی به او خواهد چسبید و از آن حالت استقلال در عمل خارج خواهد شد

### درجه حمایت اعلیحضرت از مداخلات خارجی

فکر میکنم بهتر باشد که قبل از ملاحظه ماهیت حمایت اعلیحضرت از مداخله خارجی در امورکشوردیگر، موضوع، در مثالی تطبیقی پیاده شود بهتر است.

قانونی در کشور وجود دارد که مرد نمیتواند بازن شوهرداری همخواه بشود یک وقت کسی این کار غیرقانونی و غیراخلاقی را مرتکب میشود ولی بهانه هانی برای این کار میتراشد ولی منکر قبح و خلاف قانونی بودن آن نیست و بر ملاء هم نمیکند ولی یقوت کسی مرتکب آن عمل میشود و نه تنها قبحی برای آن قائل نیست بلکه دیگران راهم تشویق به آن کار غیرقانونی و غیراخلاقی میکند و مدعی میشود که آن قانون که این عمل را نهی کرده مال سی و بیچهل و پنجاه و شصت سال قبل است.

دفاع اعلیحضرت از دخالت خارجیان در امورکشورهای دیگر و نادیده گرفتن قبح آن و ادعا کردن که عدم دخالت در امورکشورها مربوط به سی و چهل و پنجاه و شصت سال قبل است دقیقاً منطبق با عمل همان کسی است که قبح عمل همخواهگی بازن شوهردار را نادیده گرفته و منع قانونی آن را مربوط به زمان های گذشته میداند.

با اطمینان کامل عرض میکنم که تاکنون هیچکس تکرار میکنم که هیچکس در مقام چنین ادعائی بر نیامده که <ممنوعیت مداخله کشورها در امورکشورها مربوط به سالهای جنگ سرد است و امروز آن قاعده متروکه است>

هویر که به نامش اشاره کردم نگفت که عدم مداخله در امورکشورها مال زمان های سابق است و امروز رعایت آن ضروری نیست بلکه گفت: <آمریکا هرگونه حقی دارد برای تامین منابع اولیه خود در امورکشورهای دیگر مداخله نماید>

محمد جواد اکبرین (اسلام شناس) (جنبش سبزی) که میداند اسلام اجازه توسل مسلمانان را به کفار نمیدهد نوشته است <من برخلاف بسیاری که از سر صدق، نگران هستند که موضع گیری غرب، دخالت در امور داخلی و تهدید

استقلال ما محسوب میشود معتقدم که حمایت های جهانی نیاز جدی جنبش سبز است > ولی نگفته است که آنچه اسلام در رابطه به توسل به بیگانه گفته مربوط به ۱۴۰۰ سال قبل است.

دوروزنامه یومیه لوس آنجلس عصر امروز و صبح ایران با آنکه صریحا خواستار دخالت و حتی حمله نظامی آمریکا به ایران شدند و بسیار هم در این مورد نوشتند و آمریکارانشویق و ترغیب به مداخله در امور ایران کردند معهذاً منکر قبح آن نشدند و بخیال خودشان تبدیل قبح به حسن کردند و منکر ممنوعیت مداخله کشورها در امور کشورهای دیگر نشدند.

اخیراً منوچهر محمدی (برادر محمدی که در ایران اعدام شد) که مدتی در رادیو صدای ایران معرکه گرفته بود و شایع است که حضور اعلیحضرت هم رسیده است در مقاله ای، سخت از جاسوسی برای بیگانه دفاع کرده و آنرا نوعی شغل دانسته و همکاری با بیگانگان را آنکه خود اونوشته است که مردم از چنین اتهاماتی بیزارند معهذاً آنرا به مناسبت اینکه ایرانیان خارج از کشور تابعیت کشوردیگری غیر ایران رادارند عمل آنها را خیانت به ایران ندانسته ولی باز هم منکر قبح دخالت کشورها نشده و ممنوعیت آنرا فسیلی ندانسته است.

**حاشیه:** در چند سال قبل منوچهر محمدی با چهره ای غم آلود در تلویزیون ظاهر میشد میگفت آمریکانیها مرا از ایران بیرون آوردند ولی ولم کردند منم کسی نیستم که برای آنها جاسوسی کنم و مزد بگیرم من بیکار و سرگردانم به نان محتاجم من نمیخواهم بمن کمک مادی بکنید بمن یک کاری بدهید که بامزد آن زندگی کنم و از این نوع حرفهای بسیار. من به آقای شمس الدین وکیلی که از مبارزین همراه و همفکر سنگر بود تلفن کردم و گفتم اگر حضرتعالی مصلحت میدانید باتوجه به اینکه منوچهر محمدی حضور اعلیحضرت شرفیاب شده من به کانادا دعوتش کنم و در کارگاه تولیدی ام اورامشغول سازم و چون من درس نمی‌دانم که بتوانم سالهای سال کارگاه را اداره کنم بعداً هم کارگاه رابه او واگذار کنم.

شمس الدین وکیلی خندید و گفت آقای من این دروغ میگوید، حقوق بگیر سازمان سیاست فعالیت های سلطنت طلبان و مخالفین جمهوری اسلامی را گزارش میکند این ظاهر سازی های تلویزیونی برای تحصیل مقبولیت است که ایرانی ها او را تحویل بگیرند هیچ چنین فکر و دلسوزی برایش نداشته باشید..... (پایان حاشیه) برآستی که چه درست میگفت

### دنباله مطلب

این تحریر در این مقام نیست که عهدنامه بین المللی هلسنیکی و منشور سازمان ملل متحد را که قویاً مداخله کشورها را در امور کشورها ممنوع کرده است و نیز نمونه هایی از اعمالی که دادگاه بین المللی مداخله محسوب داشته ارائه دهد که نوشته مفصل میشود خاصه به اینکه مطالب مزبور در سنگرها از جمله سنگر اسفند ماه سال ۶۵ مقاله (قانون منع مداخله) مطرح شده است.

### پژوهشی در بیانات اعلیحضرت

ایراد اعلیحضرت به آمریکا مبنی بر اینکه آمریکا در انجام کارها تردید و شک دارد که آیا مداخله در امور کشورها محسوب میشود یا خیر، ایراد و استیضاح بدون تامل است.

آمریکا یکی از ۱۹ کشوری است که عهدنامه هلسنیکی (فنلاند) مبنی بر تعهد عدم دخالت در امور کشورها را امضا کرده است که در آن عهدنامه بین المللی آمده است که «**دخالت در امور کشورها بهر بهانه ای محکوم است و کشورهای**

**امضاکننده این منشور آنرا تقبیح میکنند**»

اندره فونتن سردبیر روزنامه لوموند گزارش کرد که از قطعنامه بین المللی مزبور ۲۰ میلیون نسخه در اروپا منتشر شد مقصود از اشاره مزبور این است که هر اروپایی به این قانون آگاه است.

درباره اینکه آیا قوانین و عهدنامه های بین المللی در مقابل قوانین داخلی و تصمیمات حکومت مقدم است یاخیر در سال ۱۹۲۵ کمیسیون حقوقدانان آمریکائی در ریودوژانیرو تشکیل شد تا مسئله تعارض قوانین داخلی و تصمیمات دولت آمریکا را با عهد نامه های بین المللی که آمریکا از امضاکنندگان آن است حل کند.

در ماده دوم مصوبه حقوقدانان آمریکائی آمده است «مقررات حقوق بین الملل قراردادی، جزء حقوق داخلی هردولت است و مقامات باید باتوجه به قوانین اساسی خود آنها را اجرا کنند» و در ماده بعد آمده است که «مقررات و قوانین ملی نباید مخالف و مبین با حقوق بین الملل قراردادی باشد»

طرح مصوبه کمیسیون حقوقدانان آمریکائی امروز ملاک عمل سازمان ملل متحد و همه کشورهای جهان است.

بنابراین اگر آمریکا در تصمیماتش که مربوط به حقوق بین الملل و از جمله دخالت در امورکشورها دچار شک و تردید میشود و اعلیحضرت آنرا نمی پسندند رعایت قانون است که آمریکا سعی میکند در تجاوز به قانون احتیاط کند و برای بی قانونی هائی که مرتکب میشود یک محمل قانونی بترشد نمونه اش حمله به عراق.

**حاشیه** - امید وارم حقوقدانان آمریکائی از استدلال اعلیحضرت ما مبنی بر اینکه فکر عدم مداخله در امورکشورها مربوط به سالهای ۳۰ تا ۶۰ سال گذشته بوده استفاده نکنند که نتیجه آن حکومت قانون جنگل بر همه کشورهای جهان خواهد بود. ( پایان حاشیه)

اعلیحضرت بارها و حتی در همین مصاحبه میفرمایند «وظیفه من رساندن صدای هم میهنان به جهانیان و ایجاد همبستگی بین ایرانیان است»

بنابراین بی اعتبار ساختن عهدنامه های بین المللی و منشور سازمان ملل در موضوع ممنوعیت دخالت کشورها در امورکشورها در ماموریتی نیست که اعلیحضرت بانادیده گرفتن وظائف قانونی برای خودشان تعیین کرده اند. موضوع مورد توجه این است که اعلیحضرت حکم خلّیت مداخله کشورهای در امورکشورها کلی و نسبت به تمام کشورهای جهان صادر فرموده اند یعنی میلیارد ها میهن پرستان کشورهایاراکه سخت مخالف دخالت کشورها در امورکشورشان هستند را مقابل خودشان قرارداده و منشوری تازه جایگزین منشور سازمان ملل متحد اختراع کرده اند.

### شعار اوباما با ما یا با او

اعلیحضرت در اغلب از مصاحبه ها و سخنرانی هایشان و شاید هم در کتابشان به شعار مزبور استناد فرموده اند و آنرا به حساب ملت ایران مبنی بر درخواست موضع گیری آمریکا در حمایت و پشتیبانی از مخالفین رژیم اسلامی گرفته اند.

در اردتندی به اعلیحضرت و خدمت گذاری به سلطنت، ناچارم بعرض مبارکشان برسانم که شعار مزبور که دلچسب اعلیحضرت است یک ننگ و سرافکنندگی تاریخی و ملی است، ذره ای توهم افتخار توام باشک در آن نیست، که یک سند مسلم و ابستگی به بیگانه و بیغیرتی است. آن چند نفری که چنین شعاری راداده اند خودشان هم به مفاهیم سیاسی و حقوقی این شعرا واقف نبوده و نیستند و بیشتر توجه به قافیه داشته اند تا سیاسی بودن شعار همانطور که گفته شده شعار حنه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران< ساخت اسرانیل بوده شعار اوباما هم ساخت عوامل آمریکا برای حضور بیشتر آمریکا در مبارزه بوده است.

درست نیست که شعار نفرت انگیزی که ننگ مبارزه ملت ایران است به حساب ملت ایران گذاشته شود.

بخودم حق میدهم که بگویم جلف ترین، خفت آمیزترین و نوکر مآبانه ترین شعار هائی که در مبارزات ۳۰ سال گذشته داده شد همین شعار بود. بوش پسردریک سخنرانی گفت «هرکه بامانیست باتروریستها ست»

روزنامه های اروپائی چنان بوش راهو کردند و نوشتند: حتی شعراستالین که گفت «هرکه بامانیست دشمن ماست» شرافتمندانه تر از شعرا بوش است. شعارها و اجد علائم و اشارات و مفاهیم است جوامع فهمیده نسبت به علامات نادرست و توهین آمیز واکنش نشان میدهد جوامعی هم که درک حقارت آنرا نمیکند و آنرا بر سرشان گذاشته و حلوا حلوا میکنند.

چرا باید شعاری که محتوای آن دعوت آمریکا به مداخله در امور کشور است و از حلقوم چند عامل و خدمه بیگانه به میان آمده و شرافت ملی و تاریخ ملت ما رانگین میکند به آن درجه اعتبار داده شود که بارها و بارها با افتخار از آن یاد شود و بصورت یک سند مبارزاتی تائید شده درآید.

## کار اساسی

گلایه اعلیحضرت از آمریکایی ها که کار اساسی علیه جمهوری اسلامی نمیکنند این سوال را پیش میآورد که کار اساسی کدام است آیا جنگ است، یا دخالت بیشتر و بیشتر؟ اگر دومی است که قرآن و شواهد و اعترافات دست اندرکاران دولت آمریکا حاکی است که دخالت، در تمام ابعادی که قابل تصور است انجام شده و میشود مگر مقصود اعلیحضرت از دخالت «دخول به معنای فقهی باشد» که آنهم تعجیل نفرمایند که در راستای اصرار به دخالت خارجی در امور ایران، همین دخالت های کنونی به دخالت های که تافیها خالدون ایران و ملت ما فروبرود تبدیل خواهد شد که نمونه اش رادعراق می بینیم.

وقتی کسی خواست از یک غریبه که به ناموشش تحت هر عنوان وارد شود دیگر با آن غریبه است که بطور اساسی وارد بشود یا غیر اساسی و از دعوت کننده هم نمی پرسد اساسی وارد شوم یا نیمه اساسی.

هم امروز مطلع شدم که تیم نیوکان های آمریکا که سیاست حکومت آمریکا بر کشورها را دنبال میکند بنمایندگی جولیانای سخت به حمایت و پشتیبانی از مجاهدین خلق برآمده است و بخشی از کاری را که بنظر نیوکان ها اساسی است دارند انجام میدهند.

## آیا میشود سکوت کرد؟

در گذشته اعلیحضرت بارها مسئله اینکه آنچه در ایران میگذرد دیگر قابل تحمل و سکوت نیست و مانع ماندن گذشته فرصتها را از دست بدهیم مطرح فرموده اند ولی مخاطب، خودشان و یامبارزین بوده اند ولی برای اولین مرتبه است که ایشان خارجی را خطاب قرار میدهند و میفرمایند: «آیامیشود سکوت کرد بیش از اینها و آیامیتوان گفت فعلا میخواستیم مذاکره کنیم دیگر تاکی؟» و بعد هم میفرمایند که چنین توقعی از خارجی، حق است.

این توقع نابخواب محکوم از سوی ملت ایران در حالی عنوان شده است که اعلیحضرت خودشان ظرف سی و دو سال گذشته کوچکترین گام قاطع و مصمم در مبارزه برای نجات و وطنشان برنداشته اند در چنین شرائطی توقع از خارجی، التماس به قبول نوکری تلقی میشود.

درخواست کمک اگر بر مبنای حق متکی به قانون نباشد، التماس است که التماس هم نوعی گدائی است و قبول و یارد آن به میل کمک کننده است درخواست های ناموجه و ناحق در رابطه با مسائل سیاسی کشورها از مرزگدائی وارد نمیشود بلکه از مرز معامله یا وابستگی و یا قیومت وارد میشود و آثارش متوجه کشور است (.....)

هم امروز در خبرها آمده بود که شورای مخالفین حکومت لیبی را دولت فرانسه بعنوان دولت مشروع لیبی شناخته است و کشورهای اروپائی هم در مقام شناسائی دولت مزبور هستند. تاریخ و اسناد شاهدست که **سی سال مدام این تکلیف قانونی و سنتی اعلیحضرت در تشکیل دولت بعرضشان رسید ولی هیچ تمایلی به این نخستین تکلیف قانونی و یگانه اسباب نجات ایران نشان ندادند مبارزین لیبیانی پس از سه هفته دولت تشکیل دادند و ما بعد از سی سال همچنان خوابیده ایم و اصرار و توقع داریم که خارجی ها ما را تکان بدهند.**

محمد طهوری یکی از سبزه های سرشناس خارج از کشور مطلبی نوشته که در رابطه با اصرار و توقع اعلیحضرت به مداخله و پشتیبانی خارجی قابل توجه و استناد است نوشته:

دولت ایران در طول سی سال گذشته چنان هوشمندانه هرگونه همکاری باخارج رابه امری مذموم تبدیل کرده که حتی لیبرال ترین چهره های اپوزیسیون در نزدیکی باعناصر تعیین کننده خارجی دچار تردید و شک میشوند چه رسد به همکاری مشترک

غرض از اشاره به نوشته طهوری، سیاست جمهوری اسلامی است در مذمت توقع و یاهمکاری باخارجیان یعنی حرکت در مسیر فرهنگ اعتقادی مردم و برعکس سیاست اعلیحضرت ما ترغیب به دعوت خارجیان در مداخله در امور ایران و اعلام رسمی اینکه بدون حمایت و پشتیبانی خارجیان جنبش ملی موفق نخواهد شد. فرهنگ ایرانی کدام را پذیراست و از کدام نفرت دارد؟

### توصیه همراه باتاسف

عرض شد که در بیانات اعلیحضرت توصیه ای تحسین آمیز و متاسفانه همراه باتاسف است که برای سهولت خواننده توصیه مزبور تکرار میشود.

«من همیشه به رهبران سیاسی کشورها گفته ام که مباداشما برای کسانی تعیین تکلیف کنید و یا آدم تعیین کنید و یا از حزب و یا تشکیلات و شخصیت خاصی دفاع کنید که نه تنها به آن تشکیلات ضرر خواهید زد بلکه بقول معروف برچسبی به او خواهد چسبید و از آن حالت استقلال در عمل خارج خواهد شد»

توصیه اعلیحضرت یک توصیه طبیعی و اخلاقی و فرهنگی است ولی متاسفانه خودشان بادرخواست مکرر از خارجیان مبنی بر کمک، پشتیبانی حتی تا مرز دادن گواهی وطن پرستی و شرافتمندی و امثال آن بکارت این توصیه موجه را برانداخته اند و از طرف دیگر با جانبداری از جنبش سبز با اسم و رسم و آنهم در حد سپربلای جنبش سبز شدن نشان میدهد که اعتقادی به توصیه خودشان ندارند. وانگهی اجابت درخواست مصرانه اعلیحضرت از خارجیان، کلی است که قبول و اجرای آن ملازمه کامل و قطعی با نادیده گرفتن همه آن مبادا هارا دارد. کمک همانطور که کمک کننده آن باید وجود داشته باشد کمک گیرنده آن هم وجود دارد و اگر نفس کمک، برچسب بیگانه پرستی محسوب شود دیگر تفاوتی ندارد که کمک گیرنده کیست هرکس که بنحوی از آن کمک مستفیض شود آلوده به فساد و اتهام خواهد شد و بقول اعلیحضرت برچسب بیگانه پرستی را بخود چسبانیده است.

در تطبیق مورد کمک های مادی و معنوی آمریکا به جنبش سبز که فصل مشابهی است همراه با اعتراف مقامات سیاسی آمریکا و مطبوعات و اظهارات مقامات ارشد کشور آمریکا و اسرائیل که «مخالفان سرمایه مهمی برای اسرائیل هستند» (نیپایاهو) «آنها به نیابت ماباجمهوری اسلامی میجنگند» (شیمون پرز) «ایرانیها برای ما انقلاب میکنند» (وزیر دفاع آمریکا) و موارد مشابه دیگر که در تحقیق «حاکمیت جنبش سبز از آن کیست»<sup>۱</sup> قابل ملاحظه است نشان وابستگی جنبش به کمک و پشتیبانی و حمایت مادی و معنوی بیگانگان است حال اگر ماهیت این رابطه فساد، برچسب بیگانه پرستی باشد این برچسب و آثار آن متوجه همه کسانی میشود که اولاً ایرانی بوده و دوم از بعد از افشای وابستگی جنبش سبز به آمریکا و اسرائیل همچنان در تبعیت و بیعت با آن جنبش اسرائیلی باقی مانده و علامت سبز را برای ادامه بیعت و حضور خود در آن جریان بیگانه پرستی بنمایش در میآورند.

### فرماندهی عملیات خیابانی

در تحقیق «حاکمیت جنبش سبز از آن کیست»<sup>۲</sup> این برداشت حاصل بود که چون حاکمیت بر جنبش سبز از آن آمریکا و اسرائیل معرفی شده پس بطور طبیعی فرماندهی کل عملیات هم با آنهاست (از یاد نرود که به ادعای اسرائیل و آمریکا در تعلق جنبش سبز به آنها کوچکترین اعتراضی از ناحیه خردوکلان جنبش سبز نشد یعنی تائید و حقانیت ادعای اسرائیل) اکنون بی - بی - سی مقاله ای را از «چارلز لولینسون» منتشر شده در وال استریت جورنال مورخ ۲۰۱۰-۰۳-۱۰

<sup>۱</sup> - <http://1400years.org/AmirFeyz/HakemiyateSabz-AmirFeyz-Jun7-2010.pdf>  
<sup>۲</sup> - <http://1400years.org/AmirFeyz/MahalHazinehSabz-Amirfeyz-Jun23-2010.pdf>

<sup>۲</sup> - لینک های بالا را ملاحظه فرمایید. ح-ک

را منتشر کرده که قرینه ای است که میتواند نشان دهد که برنامه های اجرائی جنبشی ها از قبیل آتش سوزی، غارت و احتمالاً کشتار و غیره یعنی عملیات خیابانی بطور کلی از جمله شعارها از سوی اسرائیل فرماندهی میشده است.

### **به اتفاق به سند مزبور نگاه کنیم**

مقاله بامعرفی <یوری لوبرانی> نماینده اسرائیل در رژیم سلطنتی ایران شروع شده و میگوید که او بزرگترین شخصیت سیاسی جهان در رابطه بامسائل ایران است و اکنون نیز ۸۳ سال دارد و مسن ترین مقامات غیر نظامی اسرائیل و مشاور وزارت دفاع اسرائیل هم هست نویسنده از قول لوبرانی مینویسد جوی دریکی از دفاتر کار ساختمان ۷ طبقه از ساختمان های قدیمی وزارت دفاع اسرائیل هدایت و بررسی تیم چهار نفره ای را بر عهده داشت که بشکل پنهانی از معترضان ایرانی حمایت کرده و برنامه هائی برای ناامنی داخل مرزهای ایران برنامه ریزی میکردند

### **قرینه یکی از اسباب اثبات است**

در شورش ۵۷ که ایران شاهنشاهی کوچکترین دشمنی با اسرائیل نداشت که سهل است اسرائیل هم از حمایت شاه ایران برخوردار بود، بمناسبت اینکه آمریکا علیه ایران شاهنشاهی برخواست چنانکه دیدید اسرائیل در کنار آمریکا علیه شاه ایران قرار گرفت و برنامه های ناامنی خیابانی را بوسیله هیئت ۴ نفره ای به سرپرستی لوبرانی تدارک میدید.

آیا تردید است اکنون که اسرائیل و ایران در قطب دشمنی باهم قرار دارند و آمریکا هم فعال علیه ایران است، اسرائیل همان برنامه کمک به شورشیان ۵۷ را دنبال نکند و اگر هم که لوبرانی پیر و فرتوت شده لوبرانی های جوان اسرائیلی با استفاده از تجارب لوبرانی رهبری عملیات خیابانی و آشوبهای مربوطه جنبش سبز را عهده دار نباشند؟ همان شعار سازی اسرائیلی ها بخشی از عملیات و مبارزه خیابانی بوده که عیان شد و بقیه اش را هم باید از راه قرینه و قیاس بدست آورد تا اسناد بیشتری فاش گردد.